

رویکرد احزاب پارلمانی ترکیه در قبال بحران سوریه (۲۰۱۷-۲۰۱۱)

رحمت حاجی مینه^۱

مریم محمدبیگی^۲

چکیده:

موضوع مورد بررسی در این تحقیق رویکرد احزاب پارلمانی ترکیه در قبال بحران سوریه (۲۰۱۷-۲۰۱۱) است. از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه دولت ترکیه، حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت سوریه به انجام اصلاحات در اغلب موارد موضع‌گیری‌های نسبتاً تندی در برابر برخورد با مخالفان اتخاذ کرد. موضع ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه در ابتدا توصیه محور و در جهت ایجاد اصلاحات سیاسی دموکراتیک و گفتگو بود؛ اما به تدریج با شدت گرفتن بحران و خشونت آمیز شدن اعتراضات در سوریه، موضع ترکیه تندتر شد و به مرحله اولتیماتوم رسید. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد، سوال اصلی تحقیق این است که نقش احزاب پارلمان ترکیه در قبال بحران سوریه چگونه است؟ و در راستای آن این فرضیه مطرح شد که حزب حاکم عدالت و توسعه و حزب ملی گرای حرکت ملی موافق و احزاب دیگر یعنی حزب جمهوری خواه خلق و حزب دموکراتیک خلقها مخالف مداخله ترکیه در سوریه هستند. نتایج نشان داد این فرضیه تایید شد و شماری از احزاب مخالف ترکیه مانند حزب جمهوری خواه خلق، حزب دموکراتیک خلقها، اتحادیه جوانان ترکیه و حزب کمونیست ترکیه نیز حمایت اردوغان از گروه‌های تندرو و حمله ترکیه به سوریه را محکوم کردند. همچنین، این کشور با انتقاد جهانی به دلیل حمایت از گروه‌های تندروی سوریه مواجه بوده است.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، ترکیه، سیاست خارجی، احزاب پارلمانی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

نویسنده مسئول

hajrahmat@gmail.com

^۲ - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

Mohammadbeigi.mm@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۶

مقدمه:

تحولات سیاسی سوریه عرصه‌ای برای قدرت‌های منطقه و فرمانطقه‌ای فراهم نموده تا در آن معادلات و رقابت‌های خود را دنبال کنند. در این عرصه تلاش همه جانبه غرب برای ساقط کردن اسد و همکاری‌های بی‌دریغ متحدین منطقه‌ای آن یعنی ترکیه، عربستان و قطر بسیار مؤثر افتاده است؛ از این رو حیات جبهه مقاومت و منافع بسیاری از متحدان اسد به خطر افتاده است. با وجود زمینه‌های قومی- مذهبی، گروه‌های تکفیری و دسیسه افکنی‌های دشمنان فرمانطقه‌ای، سرایت بحران و ناامنی‌های کنونی سوریه تهدیدی برای همه کشورهای همجوار و منطقه محسوب شود؛ ترکیه که دستاوردهای ملی و مناسبات رو به بهبود خود با سوریه را فدای بلند پروازی و خوش خدمتی‌های حزب عدالت و توسعه به غرب کرده خود می‌تواند آسیب پذیرترین کشور در این رابطه باشد. (یزدان پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲)

دولت ترکیه با توجه به سیاست نوع‌ثمنی‌گری که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در منطقه به طور کلی و بحران سوریه به طور مشخص در پیش گرفته درصدد گسترش نفوذ هر چه بیشتر خود در منطقه می‌باشد. از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه دولت ترکیه حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت سوریه به انجام اصلاحات در اغلب موارد موضع‌گیری‌های نسبتاً تندی در برابر برخورد با مخالفان اتخاذ کرد. سوریه نیز از جمله کشورهایی بود که از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ به مرکز تحولات بدل شد و واکنش کشورهای مختلف را در پی داشت. موضع ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه در ابتدا توصیه محور و در جهت ایجاد اصلاحات سیاسی دموکراتیک و گفتگو بود؛ اما به تدریج با شدت گرفتن بحران و خشونت آمیز شدن اعتراضات در سوریه، مواضع ترکیه تندتر شد و به مرحله اولتیماتوم رسید. ترک‌ها پا را فراتر نهادند و علاوه بر پذیرفتن چندین هزار آواره سوری در مرزهای خود، به مخالفان دولت اجازه دادند چندین نشست در شهرهای آنتالیا و استانبول برگزار کنند. اردوغان در ۱۶ مرداد ۱۳۹۰ ضمن هشدار جدی به بشار اسد، متذکر شد که مسائل سوریه مربوط به سیاست خارجی یا همسایگی ما نیست؛ بلکه اهمیت آن در سطح داخلی ترکیه است. ترک‌ها در مورد سوریه جدی‌تر از هر کشور دیگری وارد عمل شدند و دولت سوریه را تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار دادند. (بیات، ۱۳۹۰: ۷۵) لذا مسئله اصلی این پژوهش این است که رویکرد احزاب پارلمانی ترکیه در قبال بحران سوریه چیست؟

با آغاز موج تحولات عربی از سال ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ساختار سیاسی بسیاری از کشورهای منطقه تغییر یافت. اعتراضات مردمی که مانند دومینوی یکدیگر دیکتاتورهای عربی را تسلیم خود کرد به سوریه که در منطقه از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی برخوردار است کشانده و منجر به شکل‌گیری بحران سوریه شد. با شکل‌گیری بحران سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس منافع خود جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این بحران اتخاذ نمودند. با توجه به تحولاتی که امروزه در خاورمیانه شاهد آن هستیم تحولات و حوادث سوریه از شرایط ویژه‌ای برخوردار است به طوری که باعث ایجاد بحران در این کشور شده است. از آن جا که بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در رقم زدن تحولات سوریه سهیم هستند، بررسی اهداف هر یک از این بازیگران به منظور پیشبرد منافع ملی خود حائز اهمیت است. ترکیه همانند اغلب کشورها و بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، برای موضع‌گیری و اقدام در خصوص خیزش‌های مردمی و تحولات منطقه، از آمادگی کافی برخوردار نبود. ترکیه در اتخاذ رویکردهای خود در قبال تحولات جهان عرب، با تناقضاتی روبرو بوده است؛ با این حال این کشور تلاش کرده است تا با استفاده از فرصت‌های موجود و افزایش نقش آفرینی و تأثیرگذاری خود در تحولات، به حفظ منافع‌اش در حوزه‌های مختلف بپردازد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۹-۱۰)

برای چندین دهه، روابط آنکارا و دمشق به دلایل متعدد از جمله: مناقشه بر سر میزان آب دجله و فرات، حمایت دمشق از جدایی طلبان کُرد در ترکیه و پناه دادن به عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک و حاکمیت بر منطقه هاتای یا اسکندرون که مساحت آن ۵۴۰۳ کیلومتر مربع است، بسیار سرد بود و به شدت روی این نکات اختلاف داشتند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۴۰) این کشور با شروع بحران در سوریه ابتدا مواضع نرم و دیپلماتیک اتخاذ کرد اما با افزایش فشار از سوی قدرت‌های خارجی و بحرانی شدن اوضاع سوریه و عدم اجرای اصلاحات مدنظر خود از سوی نظام حاکم سوریه، رویکرد خود را تغییر داد و سیاست تقابل جویانه و خصمانه‌ای را در پیش گرفت. این موضع در قبال بحران سوریه و آینده سیاسی این کشور به دلیل تأثیرگذاری بر توازن قوا در منطقه برای ایران اهمیت اساسی دارد، بررسی علل اتخاذ چنین موضعی از سوی ترکیه در قبال بحران سوریه نیازمند شناخت نقش پارلمان این کشور در بحران سوریه است که این مسئله در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش را می‌توان بر اساس نظریه پلورالیسم سیاسی تحلیل کرد. فرض اصلی دیدگاه پلورالیسم سیاسی که به بررسی رابطه قدرت دولتی با مجموعه گروه‌ها و نیروهای اجتماعی می‌پردازد، تکثر و تنوع منابع قدرت است. بر مبنای این الگو، قدرت سیاسی، فرایند پایان‌ناپذیر رقابت و سازش میان نیروهای مختلفی است که نماینده علایق و منافع گوناگونی مانند گروه‌های صنعتی و تجاری، جنبش‌های کارگری، گروه‌بندی‌های قومی، مذهبی و ... هستند. (بشیریه، ۱۳۸۸: ۶۵) الگوی پلورالیستی در مقابل نظریه‌های مارکسیستی درباره مبنای طبقاتی دولت بر تعدد مراکز قدرت اجتماعی تاکید می‌گذارد. این الگو از یک سو متأثر از سنت ماکس وبر است که بر منابع مختلف قدرت در جامعه تاکید می‌گذاشت و از سوی دیگر در واکنش به نظریات برخی دانشمندان مانند پاره‌تو و موسکا که بر وجود ایت قدرت واحد در جامعه تاکید می‌گذاشتند، عرضه شده است. در عین حال پلورالیسم همچنین نقدی بر مفهوم سنتی دموکراسی نیز بوده است که در آن از مشارکت توده مردم در زندگی سیاسی سخن گفته می‌شد. در الگوی پلورالیستی رابطه قدرت دولتی با مجموعه گروه‌ها و نیروهای اجتماعی بررسی می‌شود، تکثر و تنوع منابع قدرت فرض اصلی دیدگاه پلورالیستی است. (بشیریه، ۱۳۸۸: ۶۵)

نظریه‌های پلورالیستی مثبت‌ترین تصور از سیاست گروه را ارائه می‌دهند و بر توانمندی گروه‌ها برای دفاع از فرد در برابر حکومت و بهبود بخشیدن به نمایندگی دموکرات تاکید می‌کنند. از این دیدگاه در فرایند پیچیده‌ای از چانه زنی و تعامل تصمیم‌گیری می‌شود و اطمینان به دست می‌آید که نظرات و منافع شمار زیادی از گروه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. به عقیده کثرت‌گرایان موضوع سیاست رقابت گروه‌های ذینفعی است که هیچ یک نمی‌توانند به طور کامل بر دیگران مسلط شوند چرا که همه آنها به منافع متفاوتی دسترسی دارند، به علاوه کثرت‌گرایان خود دولت را مجموعه‌ای از نهادهای رقیب و منازعه‌گر تلقی می‌کند. به همین دلیل است که نظریه کثرت‌گرایان مردم در یک دموکراسی، یک کل یکپارچه و برخوردار از اراده‌ای واحد نیستند. همچنین آنها یک توده خونسرد، منفعل و بی‌کفایت که نیاز داشته باشند که نخبگان بر آنها حکومت کنند نیز نیستند. از نظر سیاست دموکراتیک در بردارنده چانه زنی بی‌پایان برای تأثیر نهادن بر سیاست‌های حکومت می‌باشد. (نش، ۱۳۸۹: ۳۵)

در کشور ترکیه نیز قدرت سیاسی با در نظر گرفتن ساختار سیاسی پلورالیستی، توزیع شده و غیر متمرکز است. این امر موجب شده است تا جریان‌ها و تشکل‌های پرنفوذ مانند احزاب بتوانند

روند پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی در ترکیه را تحت تاثیر قرار داد. سیاست خارجی دولت‌ها برآمده از سیاست داخلی آنها است. درست است که اصول سیاست خارجی هر کشور بالنسبه ثابت است و با تغییر سیاست‌گزاران آن کشور، تحول اساسی در آن صورت نمی‌گیرد، اما ممکن است در روند و مشی اجرای آن تجدید نظر شود. (طباطبائی و فضل‌ی خانی، ۱۳۹۳)

ساختار پارلمانی ترکیه یکی از عناصری است که تا اندازه زیادی می‌تواند دایره اختیارات قوه مجریه را در تصمیم‌گیری سیاسی محدود کند. به عنوان مثال در قانون اساسی ترکیه مقرر شده رئیس‌جمهور که از طرف پارلمان انتخاب می‌شود حق عزل نخست‌وزیر را دارد و یا با صدور فرمان، قانون وضع نماید. در شرایط عادی رئیس‌جمهور می‌تواند قوانین مصوب پارلمان را وتو کند. همچنین وی می‌تواند در مواقع بحرانی پارلمان را منحل و خواستار انتخابات جدید شود. از طرفی دادگاه قانون اساسی ترکیه که وظیفه تطبیق موارد قانونی با قانون اساسی را دارد و به شدت از اصول و آموزه‌های کمالیستی (کمال پاشا بنیانگذار ترکیه نوین) محافظت می‌نماید، در سال‌های پیشین بر اساس این قوانین دو حزب رفاه و فضیلت را به دلیل ریشه‌های اسلام‌گرایانه شان منحل کرد. در مورد حزب رفاه، این انحلال به سقوط دولت وقت به رهبری نجم‌الدین اربکان انجامید و حتی این دادگاه به علت اینکه حزب حاکم عدالت و توسعه در پارلمان لایحه ورود بانوان محجبه را به دانشگاه‌ها تصویب کرد این حزب را تا آستانه انحلال پیش برد اما با فشار اتحادیه اروپا دادگاه از خواسته خود مبنی بر انحلال حزب حاکم خودداری نمود. نقش احزاب در پارلمان ترکیه به گونه‌ای است که برای رسمیت یافتن جلسات پارلمان حضور دو سوم نمایندگان لازم است و گاهاً دو حزب کمالیستی پارلمان ترکیه مخصوصاً حزب جمهوریخواه خلق، حزب حاکم عدالت و توسعه را تهدید به عدم شرکت در جلسات پارلمان می‌نماید. به طوریکه یک بار در زمان انتخاب عبدالله گل به سمت ریاست جمهوری به خاطر اینکه شرط دو سوم احراز نشود، حزب جمهوریخواه خلق جلسات پارلمان را تحریم کرد و در آن شرکت نکرد از این رو اردوغان نخست‌وزیر و دبیر کل حزب عدالت و توسعه پارلمان را منحل اعلام کرد و خواستار برگزاری زودهنگام انتخابات پارلمانی شد. (صولت، ۱۳۹۱)

البته ضعف ساختاری در پارلمان ترکیه زمانی بیشتر می‌شود که هیچ حزبی نتواند به تنهایی دولت تشکیل دهد و برای تشکیل دولت مجبور به ائتلاف با سایر احزاب موجود در پارلمان گردد. در سیستم پارلمانی ترکیه نتایج انتخابات عمومی بسیار تعیین‌کننده است و هر حزبی که اکثریت قاطعی را بدست آورد می‌تواند شخص مورد نظر را برای تصاحب پست ریاست جمهوری

انتخاب کند، چنین حزبی علاوه بر در دست داشتن هیأت دولت (از جمله نخست‌وزیر و وزارت مهم امور خارجه) در صحن مجلس مشکل چندانی بابت تصویب لوایح و طرح‌های مورد نظر نخواهد داشت. البته این بدان معنا نیست که حزب حاکم عدالت و توسعه به دلیل حضور حداکثری در پارلمان ۵۵۰ نفری ترکیه هیچگونه محدودیتی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی ندارد. به عنوان نمونه در زمان جنگ آمریکا و انگلیس بر علیه عراق، لایحه استقرار نیروهای آمریکا در ترکیه و حمله به عراق با هدایت اردوغان به پارلمان ترکیه ارائه شد ولی به دنبال مخالفت‌های مردم ترکیه مبنی بر عدم شرکت در جنگ و مخالفت‌های حزب لائیک کمالیستی "جمهوری خواه خلق" رو به روگشت و در رأی‌گیری این لایحه، نمایندگان حزب عدالت و توسعه به موضع حزب اپوزیسیون جمهوری خواه متمایل شدند و به لایحه رأی منفی دادند و این لایحه در پارلمان به تصویب نرسید. در نتیجه می‌توان گفت که یکدست‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری و اعمال سیاست خارجی در دراز مدت و در شرایطی که دستگاه سیاست خارجی متناسب با نیازهای روز و شرایط بین‌المللی به حداکثرسازی تأمین منافع ملی مبادرت نرزد، با نارضایتی عمومی مواجه می‌شود و این نارضایتی باعث روی‌گردانی یکباره مردم از جریان سیاسی حاکم می‌گردد. به عنوان مثال در این زمینه اردوغان با الهام از عدم تکرار سندروم آناپ (حزب راه راست) تمرکز خود را بر روی دو موضوع محوری در سیاست خارجی خود یعنی "شکوفایی اقتصادی" و "تعدد جهت‌گیری در سیاست خارجی" قرار داده است تا حداکثرسازی منافع ملی ترکیه تأمین گردد. (صولت، ۱۳۹۱)

در مجموع می‌توان گفت علی‌رغم اینکه ساختار سیاسی و حکومتی جمهوری ترکیه، به سبب برخورداری از سیستم چند حزبی و نقش بسیار برجسته قوه مقننه، محدودیت‌هایی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور ایجاد کرده، اما به نظر می‌رسد که وزن مزیت‌های این ساختار سیاسی به مراتب بیشتر از محدودیت‌های ناشی از نظام پارلمانی چند حزبی باشد.

سیاست خارجی ترکیه

جمهوری ترکیه در موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده استراتژیک و در کانون تحولات خاورمیانه واقع شده است. به همین دلیل تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی در این کشور بسیار مهم و حیاتی تلقی می‌شود. در این راستا ساختار سیاسی ترکیه به گونه‌ای است که همزمان محدودیت‌ها و فرصت‌هایی را برای تصمیم‌گیران در سیاست خارجی این کشور ایجاد کرده است. در حوزه

محدودیت‌ها، ساختار پارلمانی ترکیه یکی از عناصری است که تا اندازه زیادی می‌تواند دایره اختیارات قوه مجریه را در تصمیم‌گیری سیاسی محدود کند.

در حقیقت محدودیت دولت‌ها در ترکیه مخصوصاً حزب عدالت و توسعه در این است که ساخت اجتماعی ترکیه از بالا به پایین طراحی شده است و اصلاحات آنکارا نوعی "خردمندی محافظه‌کارانه" را تشکیل می‌دهد که الگوی مدرن‌سازی فرانسه را دنبال می‌کند. در واقع کمالیسم به دنبال تحمیل یک واقعیت به صورت متعصبانه بود که حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ترکیه را تغییر دهد. علاوه بر این هدف خود را ادغام ترکیه در "تمدن معاصر" معرفی می‌کرد که این تحول بدون فراهم کردن بنیان فرهنگی و با تمرکز بر مراکز شهری میسر نبود. در نتیجه این امر انشعابی در جامعه ترکیه ایجاد شد که منجر به ایجاد فرهنگ اروپایی شهری در استانبول، آنکارا و از میر از یک سو و تقویت ریشه‌های حقیقی، سنت اسلامی در جامعه روستایی از سوی دیگر شد. بر اساس درک این وضعیت است که اکثر دولت‌های موفق در ترکیه مانند دولت تورگوت اوزال و دولت اردوغان اولویت حزبی خود را بر روی اصلاحات اقتصادی قرار داده‌اند. به خاطر اینکه هم دارای بار ارزشی کمتری است و هم اینکه موفقیت اقتصادی نظر مساعد افکار عمومی ترکیه را به سمت مقبولیت حزب حاکم جلب خواهد کرد و اساساً دیدگاه‌های حزبی نه در ایدئولوژی حزب بلکه در بیانات نخبگان حاکم بر حزب مطرح می‌شود.

در سیستم پارلمانی ترکیه نتایج انتخابات عمومی بسیار تعیین کننده است و هر حزبی که اکثریت قاطعی را بدست آورد می‌تواند شخص مورد نظر را برای تصاحب پست ریاست جمهوری انتخاب کند، چنین حزبی علاوه بر در دست داشتن هیأت دولت (از جمله نخست وزیر و وزارت مهم امور خارجه) در صحن مجلس مشکل چندانی بابت تصویب لوایح و طرح‌های مورد نظر نخواهد داشت. در شورای امنیت ملی این کشور نیز حزبی مانند عدالت و توسعه از یک سو با توجه به در اختیار داشتن اکثریت پارلمان، رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزرای عضو این شورا و از سوی دیگر به سبب در کنترل گرفتن فرماندهان ارتش، نگرانی از اعضای نظامی شورای امنیت ملی ندارد. بر این اساس به راحتی می‌تواند سیاست مورد نظر خود را در عرصه خارجی تصویب و اعمال نماید. در نتیجه می‌توان گفت که یکدست سازی فرآیند تصمیم‌گیری و اعمال سیاست خارجی در درازمدت و در شرایطی که دستگاه سیاست خارجی متناسب با نیازهای روز و شرایط بین‌المللی به حداکثرسازی تأمین منافع ملی مبادرت نورزد، با نارضایتی عمومی مواجه می‌شود و این نارضایتی باعث رویگردانی یکباره مردم از جریان سیاسی حاکم می‌گردد. به عنوان

مثال در این زمینه اردوغان باله‌ام از عدم تکرار سندروم آن‌اپ (حزب راه راست) تمرکز خود را بر روی دو موضوع محوری در سیاست خارجی خود یعنی "شکوفایی اقتصادی" و "تعدد جهت - گیری در سیاست خارجی" قرار داده است تا حداکثرسازی منافع ملی ترکیه تأمین گردد. (صولت، ۱۳۹۱)

در مجموع می‌توان گفت علی‌رغم اینکه ساختار سیاسی و حکومتی جمهوری ترکیه، به سبب برخورداری از سیستم چند حزبی و نقش بسیار برجسته قوه مقننه، محدودیت‌هایی در تصمیم - سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور ایجاد کرده، اما به نظر می‌رسد که وزن مزیت - های این ساختار سیاسی به مراتب بیشتر از محدودیت‌های ناشی از نظام پارلمانی چند حزبی باشد.

بحران سوریه

در دهه ۸۰ میلادی بر اثر کاهش بارندگی و قطع کمک‌های مالی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس (بدلیل حمایت سوریه از حکومت شیعی ایران در جنگ عراق و ایران) اقتصاد سوریه دچار بحران گشت. سرمایه‌داران و تجار سنی خواستار مشارکت کامل در مسائل اقتصادی سوریه شدند ولی بسیاری از بازرگانان سنی مذهب خیلی زود دریافتند که پیشرفت بیشتر آنها در کنار شرکای علوی می‌تواند میسر گردد. (امامی، ۱۳۷۶: ۱۴۷) تعدادی از سرمایه‌داران سنی و مسیحی که دارای منافع و مزایای اقتصادی بودند همیشه مجبور بودند تا بصورت گروه اقتصادی محافظه کار در جامعه سوریه عمل کنند. در این راستا موقعیت علویان در قیاس با قبل از بدست گرفتن قدرت توسط حزب بعث بهبود زیادی پیدا کرد. در کل، روستائیان و قشر ضعیف شهری که اکثراً از اهل تسنن می‌باشند نه تنها از موقعیت اقتصادی بهتری بهره‌مند نگردیدند بلکه بسیاری از کارگران با تغییرات اقتصادی بوجود آمده بیکار گشتند و قدرت اتحادیه‌های کشاورزان و کارگران را از دست رفته دیدند. در واقع سیستم اقتصادی سوریه به نوعی ایجاد محرومیت و یا عدم پیشرفت را برای طبقه کشاورز و کارگر بوجود آورده بود. در دوران حکومت بشار اسد برای بهبود وضعیت اقتصادی در بخش‌هایی چون کشاورزی، نفت، بانکداری، تجارت و سرمایه‌گذاری تلاش‌هایی صورت گرفت که در برخی از آنها پیشرفت‌هایی حاصل آمد. برای مثال بخش کشاورزی با وجود رشد خوبی که داشت تنها ۱۷ درصد از نیروی کار را در بر گرفت ولی دریافتی کشاورزان و کارگران ترقی نیافت و به عبارتی کمترین حقوق و مزایا را در قیاس با سایر بخش‌ها دریافت می‌نمودند. بر اثر گذشت زمان مشکلات معیشتی کارگران بیشتر می‌شد به طوری که در سال ۲۰۰۹ بیکاری به ۲۰٪ رسید

و بیش از سه و نیم میلیون نفر در سوریه فاقد درآمد بودند. عدم تحقق رفرم‌های اقتصادی در دوره بشار اسد، نبود شفافیت در سیستم اقتصادی سوریه و دخالت و کنترل دولت بر بخش‌های مختلف تجاری و وجود رانت اقتصادی برای برخی از نزدیکان و طرفداران دولت باعث محروم شدن تعداد زیادی از کشاورزان و کارگران از رفاه اقتصادی گردیده است. تفاوت‌های مذهبی، زبانی، نژادی در بین قوم‌های مختلف باعث گردیده تا هر گروه پایبند به اصول قبیله و بیشتر وفادار به قوم خود باشد. از آنجائی که هر گروه مذهبی فعالیت‌های خاص خود را داراست و بیشتر خود را مسئول در برابر هم قومی خود می‌داند، وفاداری به قوم و قبیله مهمتر از وفاداری به کل سوریه است. مثلاً چرکس‌های سوری که از تبار چچنی‌های روسی هستند دارای تعلقات خاصی نسبت به جامعه چچن روسیه می‌باشند. (مرکز مطالعات کشور سوریه،^۳ ۱۹۹۹)

با آگاهی از نسبت قومی و مذهبی و جمعیتی سوریه به نظر می‌رسد که به طور مشخص عناصر تشکیل دهنده قدرت می‌بایستی بیشتر از جامعه اهل تسنن باشد تا دیگر جوامع موجود در سوریه که البته اینگونه نیست. از سال ۱۹۶۳ که حزب بعث به قدرت رسید، توازن قدرت در بین اقوام مختلف سوریه بهم ریخت بطوری که علوی‌ها که از محروم‌ترین قومیت‌ها محسوب می‌گردیدند صاحب بیشترین قدرت در سیاست، ارتش، حزب بعث و اقتصاد کشور سوریه گردیده‌اند. حزب بعث اظهار می‌نماید که همبستگی سنتی در جامعه سوریه باید تغییر نماید و تعاونی‌ها، سازمان‌های جوانان و اتحادیه‌ها در بوجود آوردن این تغییرات نقش اساسی را ایفا نمایند. اما این تشکل‌ها نه تنها تغییرات لازمه را بوجود نیاوردند بلکه تبدیل به ابزارهایی برای کنترل جامعه و برتری حزب بعث شدند. انجام کودتا و بدست گرفتن قدرت توسط حافظ اسد (از فرقه علوی) در حزب بعث سوریه در سال ۱۹۷۰ بر تقویت وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر چه بیشتر اقلیت علوی افزود. از آن زمان تا بحال این برتری جامعه علوی نسبت به دیگر جوامع سوری بخصوص جامعه اهل تسنن ادامه پیدا نموده و امور امنیتی سوریه نیز بیشتر در راستای حفظ قدرت علویان فعالیت کرده است. از زمان روی کار آمدن حزب بعث با شعار وحدت و یکپارچگی انتظار می‌رفت تا اختلافات مذهبی و فرهنگی میان گروه‌ها و فرقه‌های مختلف سوری به پایان برسد. ترویج ایدئولوژی حزب بعث بصورت اجباری در مراکز آموزش و پرورش و موسسات فرهنگی الزامی بوده و هیچ رقابت فکری و فرهنگی دیگری در کشور اجازه فعالیت نمی‌یابد. نظام بعثی سوریه با کنترلی که بر رسانه‌های گروهی دارد اجازه فعالیت به گروه‌های مذهبی و قومی جهت تاسیس روزنامه

³- The Countries Studies، Syria

مستقل آزاد و نشر افکار و ایده‌های مختلف را نمی‌دهد. تنها حزب بعث است که با داشتن روزنامه البعث اجازه فعالیت فرهنگی گسترده‌ای را پیدا نموده است. (مباحث کشورها، سوریه، ۵۱) با ورود هرچه بیشتر مدرنیته به جامع سوریه سندیکاها، اتحادیه‌ها و انجمن‌های تجاری، از اهمیت بیشتری برخوردار گردید و با نگاه به جوامع مترقی دیگر کشورها و به سرانجام رسیدن برخی از مطالبات اجتماعی ملت‌های خاورمیانه، تقاضا برای ارتقاء زندگی بهتر در سوریه بالا گرفت. این گونه می‌توان نتیجه گرفت که محرومیت‌های نسبی پدید آمده از سال ۱۹۶۳ در امور اجتماعی فرهنگی و سیاسی کشور سوریه برای جامعه اهل تسنن سوریه و انباشت آن در طی مدت نیم قرن باعث گردید تا مطالبات آنها در سال ۲۰۱۱ به مرحله انفجار رسد. (ساجدی، ۱۳۹۲)

از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ هزاران و تا امروز صدها هزار معترض در چندین کانون شهری درعا، حمص، دمشق، ادلب و ... پیاپی در حال تظاهرات خیابانی هستند. جمعه عزت، جمعه مقاومت، جمعه شهدا، جمعه مبارزه و جمعه آزادگان نام‌های تظاهرات نمادگونه‌ای است که تقریباً هر جمعه در کانون‌های شهری علیه بشار اسد و نظام‌های بعثی به وقوع می‌پیوندد. تاکنون بیش از ۶۰۰۰۰ نفر از معترضان سوری کشته شده و حدود دهها هزار نفر نیز دستگیر شدند. بیش از صدها هزار نفر نیز از سوریه به کشورهای ترکیه و لبنان گریخته‌اند. اتحادیه عرب، ترکیه، اتحادیه اروپایی و ایالات متحده، رژیم سوریه را تحت فشارهای گوناگون از جمله تحریم اقتصادی قرار داده‌اند. از دسامبر ۲۰۱۱ بیش از ۱۵۰ نفر از ناظران عربی برای بررسی و کنترل اوضاع و ارائه گزارش به دبیرخانه اتحادیه عرب وارد سوریه شده‌اند ولی اوضاع امنیتی این کشور همچنان در روندی فزاینده رو به تیرگی است. ولی در تمام دوره خیزش یکساله، انقلابیون و مخالفین اسد نتوانسته‌اند سازه‌های بنیادی نظام را دچار اختلال کلی نموده و زمینه ساز از هم پاشیدگی آن را فراهم آورند. به عبارتی دیگر، میان رژیم و مخالفین نوعی تعادل قوا یا تعادل انرژی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که نه مخالفین توانایی فروپاشی رژیم را همانند آنچه در تونس و مصر و لیبی روی داد دارند و نه رژیم توانایی سرکوبی مخالفین را دارد. در جامعه موازیک سوریه با طولانی شدن درگیری‌های داخلی، اختلافات مذهبی و تعصبات قومی نیز گسترش زیادی پیدا نموده است. گرچه در قانون اساسی سوریه تمامی اقوام و مذاهب اسلامی را به یک نگاه می‌بیند ولی اهل تسنن امروزه خود را دارای حقوق مساوی سیاسی و اجتماعی با جامعه علوی نمی‌بیند. ریشه اصلی و قدیمی مخالفت اهل تسنن با جناح حاکم را در افزایش نقش علویان در نظام سیاسی سوریه و کاهش و افول قدرت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سنی‌ها می‌توان دید. برخی از سنی مذهبی‌های سوریه از شاخه

سلفی طرفدار حزب اخوان المسلمین سوریه می‌باشند. این گروه معارض سوری بر این اعتقاد است که با وجود گذشت نیم قرن از حکومت خاندان اسد، آزادی‌های اساسی و اصلاحات واقعی در سوریه امکان پذیر نبوده و با توجه به درهم کوبیدن اعتراضات مسالمت آمیز می‌بایستی خط مشی مسلحانه را در مقابل رژیم اسد پیشه کرد. جامعه سوریه در این مرحله از گذار، نیازمند برابری هرچه بیشتر برای کم نمودن شکاف‌های موجود در طبقات مختلف اجتماعی سوریه است. (ساجدی، ۱۳۹۲)

احزاب پارلمانی ترکیه

۱. حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه حزب سیاسی غالب در ترکیه است، این حزب تحت رهبری احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه سابق ترکیه و نخست وزیر سابق است. این حزب اسلام گراست و داود اوغلو مذهب را در کانون اهداف خود قرار داده و در عین حال در پی مدرن سازی ترکیه است. موسسین و اعضای ارشد کنونی این حزب از شاگردان نجم‌الدین اربکان، رهبر حزب اسلام‌گرای رفاه، فضیلت و سعادت بودند که در سال ۲۰۰۱ (میلادی) از آن منشعب شده ولی همچنان عنوان اسلام‌گرایی را به دنبال خود می‌کشند. حزب عدالت و توسعه در تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۰۱ به رهبری رجب طیب اردوغان وارد صحنه سیاسی ترکیه شد. این حزب بلافاصله بعد از تشکیل اقدام به توسعه نمود و با رشد سریع طی یکسال فعالیت‌ها و دفاتر خود را در سراسر ترکیه گسترش داد و همزمان نیز شاخه زنان و جوانان حزب را فعال نمود و اقدام به عضوایی در این دو شاخه نمود. حزب عدالت و توسعه بلافاصله در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ با وجود اینکه تازه تاسیس بود توانست در انتخابات پارلمان موفق شود و ۳۴٪ از آراء را به خود اختصاص دهد. این حزب در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۳ اولین مجمع عمومی عادی خود را برگزار نمود که هزاران تن از اعضای این حزب در این مجمع حضور پیدا کرده و به اتفاق آرا مجدداً اردوغان را به عنوان رئیس حزب انتخاب نمودند. این حزب در انتخابات محلی که در تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۰۴ برگزار شد و ۴۲٪ از آراء را خود اختصاص داد و از آن زمان تاکنون در راس قدرت سیاسی کشور ترکیه می‌باشد.

سیاست‌های اساسی، اهداف، سازمان، وظایف و عملکرد حزبی در برنامه و منشور حزب مشخص گردیده و منشور و برنامه‌های حزب برای تمام اعضا از جمله رئیس حزب الزام آور است. سازمان حزب به صورت سلسله مراتبی به ترتیب به صورت شهرستانی، منطقه‌ای، سازمان‌های استانی و ستاد مرکزی حزب می‌باشد. این حزب بر سکولار بودن دولت ترکیه تاکید داشته ولی با

حذف نمادهای مذهبی از اماکن عمومی و ممنوعیت حجاب زنان در دولتی مانند دانشگاهها مخالف است.

۲. حزب حرکت ملی گرا^۴

این حزب که در دهه ۱۹۶۰ تاسیس شده است، مدت طولانی وابسته به راست‌های افراطی بود، اما تحت رهبری دولت باغچه لی به جای ملی‌گرایی قومی به سوی ملی‌گرایی فرهنگی روی آورده است. تاکید این حزب بر مذهب، آن را به حزب عدالت و توسعه نزدیک کرده است. این حزب یک حزب جنبش گر و ملی گرا به رهبری ارسلان نورکیز می باشد و پیوسته دنباله رو نظامیان و کودتاچیان بوده و در حال حاضر نیز باغچه لی رهبری حزب را به عهده دارد. این حزب در حال حاضر در قدرت و مناسبات سیاسی ترکیه نقش مهمی را ایفا نمی کند. حرکت ملی‌گرا یا حزب حرکت ملی، به عنوان مهمترین نهاد سیاسی ملی‌گرایان ترکیه، منادی دفاع از هویت ترکی و ملیت ترکی است. این حزب در حوزه فکری و عقیدتی، با حزب حاکم اختلاف نظرانی در حوزه قومیت‌ها دارد. حزب حرکت ملی معتقد است که مذاکرات صلح با پ.ک.ک، خیانت به ترکیه است. حزب مزبور بر این باور است که در ترکیه چیزی به نام معضل کردها وجود ندارد و نرمش و انعطاف یاران اردوغان در برابر کردهای مخالف، نهایتاً به تجزیه کشور منجر خواهد شد. حزب حرکت ملی، در بیانات و شعارهای تند خود، دولت داود اوغلو را به خیانت و وطن فروشی و حزب دموکراتیک خلق‌ها را به تروریست بودن متهم می کند. این حزب همچنین معتقد است که حزب جمهوری خواه خلق نمی‌تواند نقش بزرگترین حزب مخالف دولت را به درستی ایفا کند.

اصلی ترین حزب لیبرال و متحد غرب در ترکیه، حزب حرکت ملی به رهبری «دولت باغچه لی» است. این حزب در عین موضع انتقادی نسبت به نظام حاکم بر سوریه، از حمایت‌های اردوغان از گروه‌های تروریستی هم به شدت انتقاد می‌کند و حتی گروه «ائتلاف ملی سوریه» (بزرگترین گروه سیاسی آلترناتیو بشار اسد) را به علت حضور اخوان المسلمین در ساختار آن، فاقد مشروعیت می‌داند.

۳. حزب جمهوریخواه مردم^۵

این حزب نخستین حزب سیاسی ترکیه است که در ۱۹۲۳ بوسیله کمال آتاترک تاسیس، نام

^۴- MHP

^۵- Cumhuriyet Halk Partisi

اولیه حزب "فرقه خلق" بود که در ۱۹۳۵ نام کنونی یعنی حزب "جمهوری خلق" را برای خود برگزید. رهبری این حزب مدتی بر عهده اجویت بود و بعد از کودتای ۱۹۸۰ این حزب مجدداً فعالیت خود را در ۱۹۹۲ با رهبری دنیز بایکال از سر گرفت. این حزب در انتخابات سراسری سال ۲۰۰۲ با کسب ۱۹/۴ درصد آرا توانست ۱۶۷ کرسی در مجلس به دست آورد. این حزب سردمدار لائیسیم و کمالیسم در ترکیه بوده و همواره از حمایت نظامیان برخوردار است. حزب جمهوریخواه مردم که همان حزب مصطفی کمال آتاترک، مؤسس سکولار ترکیه مدرن است، در سال‌های اخیر جایگاهش رو به افول رفته است و رهبر سابق آن با رسوایی اخلاقی روبرو شد. قلیچدار اوغلو، رهبر فعلی این حزب تلاش کرده است از ولخرجی‌ها و حیف و میل‌های حزب عدالت و توسعه برای انتقاد از این حزب و حمله لفظی به آن استفاده کند، با این همه وی به عنوان رهبر مخالفان پویایی لازم را که حزب جمهوریخواه مردم در پی آن است، ندارد. این حزب قدیمی‌ترین حزب سیاسی در جمهوری ترکیه و مهم‌ترین حزب چپ میانه این کشور است که گرایش‌های ملی‌گرایانه، سوسیال دمکرات و لائیک دارد و در انترناسیونال سوسیالیست و حزب سوسیالیست‌های اروپایی عضویت دارد.

۴. حزب دموکراتیک خلق‌ها^۶

حزب دموکراتیک خلق‌ها، از نهادهای اقماری پ.ک.ک به شمار می‌آید. با آنکه این حزب، به طور سنتی آرای طرفداران خود را در استان‌های کردنشین شرق و جنوب شرقی ترکیه به دست می‌آورد اما تلاش سران آن برای جلب آرای چپ‌های ترکیه، موجب آن شده تا در همه استان‌های ترکیه، به امید جلب آرای مردم وارد رقابت انتخاباتی شوند. این در حالی است که چپ‌ها هم اکنون در ترکیه از نفوذ پایینی برخوردارند و مفسرین سیاسی ترکیه بر این باورند که حضور این نهاد وابسته به پ.ک.ک در استان‌های ترک نشین، صرفاً گونه‌ای قدرت نمایی قومیتی و نمادین است.

در انتخابات پارلمانی ترکیه در سال ۲۰۱۵، حزب دموکراتیک خلق‌ها به رهبری صلاح الدین دمیرتاش، ۱۳.۱۲ درصد آراء را کسب و موفق به گذر از حد نصاب ۱۰ درصد آرا در سطح ترکیه شد. حزب دموکراتیک خلق‌ها را باید بزرگترین برنده این انتخابات تلقی کرد. زیرا آنها به نمایندگی از جامعه کردهای ترکیه دست به ریسکی بزرگ زدند و اگر نمی‌توانستند به حداقل ۱۰ درصدی آراء دست پیدا کنند، عملاً هیچ جایگاهی در مجلس آینده نداشتند. با این حال آرای حزب

^۶- HDP

دمکراتیک خلق‌ها نه تنها از ۱۰ درصد عبور کرد، بلکه از آرای حزب عدالت و توسعه نیز کاست. در واقع با توجه به اینکه آرای حزب جمهوری خواه خلق و حزب حرکت ملی تقریباً مشابه انتخابات قبلی در سال ۲۰۱۱ است، بنابراین آرای کسب شده توسط حزب دمکراتیک خلق‌ها از سبد رای حزب عدالت و توسعه گرفته شده است. به عنوان مثال حزب عدالت و توسعه در استان‌های جنوب شرقی ترکیه که کاندیدان هستند، آراء زیادی را از دست داده است. چنانکه در استان دیاربکر حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۱ یازده نماینده داشت و در انتخاب اخیر یک نماینده از دیاربکر وارد مجلس کرد. به عقیده صاحب نظران، این امر می‌تواند فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه در خصوص مسئله کردی را به شدت دگرگون نماید.

رویکرد احزاب و بحران سوریه

احزاب پارلمانی اپوزیسیون ترکیه در قبال بحران و تحولات سوریه دیدگاه‌های مختلفی دارند که عموماً با سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در سوریه مخالف می‌باشد:

۱- حزب جمهوری خواه خلق

مراد اوزچلیک، معاون حزب جمهوری خواه خلق می‌گوید این حزب درصد گسترش روابط خود با سوریه است و برای رسیدن به آتش بس، ما گفتگو با همه طرف‌ها از جمله حکومت اسد را شروع خواهیم کرد. به گفته رهبر این حزب اردوغان مجری سیاست‌ها و دستورات آمریکا است که به گفته وی سبب دشمنی با همسایگان شده است. همچنین این حزب از طرفداران خود خواست همزمان با سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه (۲۹ اکتبر) با برپایی تظاهرات در آنکارا و استانبول به سیاست‌های دولت رجب طیب اردوغان اعتراض کنند.

۲- حزب دمکراتیک خلق‌ها

صلاح الدین دمیرتاش که رهبری حزب دمکراتیک خلق‌ها را بر عهده دارد مخالفت خود با سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در سوریه را اعلام کرد و به سی ان ان گفت که یک ائتلاف جدید نمی‌تواند سیاست‌های کنونی را در قبال بحران سوریه ادامه دهد. به نظر وی یک دولت ائتلافی در ترکیه به حمایت از داعش و دیگر نیروهای رادیکال در منطقه ادامه نمی‌دهد.

۳- حرکت ملی گرا

حزب ملی گرایی ترکیه سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در قبال سوریه را مغایر با منافع ملی ترکیه می‌داند، همچنین باغچه لی رهبر حزب، در میان طرفدارانش اظهار داشته که آینده

سوریه را مردم سوریه باید تعیین کنند و کسی نباید خود را عهده دار وظیفه در این کشور تلقی کند و زمینه شکل گیری آینده سوریه با مداخله خارجی را فراهم آورد.

۴- حزب عدالت و توسعه

بطور کلی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال تحولات سوریه را باید به دو دوره مجزا تقسیم کرد. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۹)

۱) مرحله اول: نصیحت و ارشاد

این دوره با آغاز شکل گیری بحران در سوریه از ۱۵ مارس ۲۰۱۱، آغاز می شود و تا نیمه آوریل همان سال امتداد می یابد. در این برهه زمانی شاهد خطاب های مکرر سیاستمداران ترک برای اقناع اسد برای انجام اصلاحات بودیم. در ابتدا دولت آنکارا با تشویق بشار اسد به انجام اصلاحات اساسی در سوریه در صدد حل بحران این کشور که بی تردید امنیت و منافع ملی این کشور را تحت تأثیر قرار می داد برآمد، در این دوره آنکارا ابتدا تلاش کرد تا حکومت بشار اسد را به اصلاحات ترغیب نماید و تمام سعی و تلاش خود را برای مهیا کردن راه و روش برای چگونگی و نحوه انجام اصلاحات در سریع ترین زمان در سوریه انجام داد. در همین راستا اردوغان، در آوریل ۲۰۱۱ داوود اوغلو و گروهی از مقامات بلند پایه را به دمشق فرستاد. در این دیدار بر لزوم انجام اصلاحات در اسرع وقت و همچنین بر ضرورت مذاکره با مخالفان و امتیاز دهی به گروه های دیگر اشاره شد. (عسگرخانی و تقی، ۱۳۹۵)

۲) مرحله دوم: تهدید و فشار

این دوره از ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. با گذشت زمان، ترکیه به این نتیجه رسید که ارشادات آنان به دولت سوریه و شخص اسد در جهت مخالف خواسته های آنان می باشد، این امر موجب شد که سیاست های آنکارا بر محور نزدیکی بیشتر به اپوزیسیون و رویارویی با دولت بشار اسد چرخش پیدا کند، مقامات ترک همواره خطاب هایی مکرر با لحن تند در مورد مسائلی همچون لزوم کناره گیری بشار اسد و عدم سکوت در مورد تحولاتی که در داخل سوریه رخ می دهد، بیان کرده اند. (حسام، ۲۰۱۳: ۱۶۸) ترکیه به عنوان میزبان شورای ملی سوریه و ارتش آزاد این کشور به طور آشکار و پنهان با اعطای کمک های مالی و نظامی در کنار اپوزیسیون قرار گرفت و بر پیچیدگی بحران سوریه افزود. (البستانی، ۲۰۱۳) آنکارا با دادن تسهیلات سیاسی و لجستیکی به مخالفان سیاسی و نظامی دمشق گام های زیادی در روند سیاست خصمانه و دشمنی علیه دولت سوریه برداشته است. پس از آغاز تحولات در سوریه،

ترکیه کوشیده است نقشی پررنگی را در تحولات و پرونده سوریه به عهده گیرد. نقشی که این کشور را اکنون به یکی از بازیگران اصلی و منطقه‌ای سوریه تبدیل کرده است.

نتیجه گیری

از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه دولت ترکیه حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت سوریه به انجام اصلاحات در اغلب موارد موضع گیری‌های نسبتاً تندی در برابر برخورد با مخالفان اتخاذ کرد. سوریه نیز از جمله کشورهای بود که از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ به مرکز تحولات بدل شد و واکنش کشورهای مختلف را در پی داشت. فرضیه اصلی این تحقیق این بود که اغلب احزاب پارلمانی ترکیه جهت گیری تندی نسبت به دولت سوریه داشته و خواهان برکناری بشار اسد از قدرت هستند، این فرضیه با توجه به موضع گیری‌های ترکیه در قبال سوریه تایید می‌شود، در تبیین این یافته می‌توان گفت که موضع ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه در ابتدا توصیه محور و در جهت ایجاد اصلاحات سیاسی دموکراتیک و گفتگو بود؛ اما به تدریج با شدت گرفتن بحران و خشونت آمیز شدن اعتراضات در سوریه، مواضع ترکیه تندتر شد و به مرحله اولتیماتوم رسید. ترک‌ها پا را فراتر نهادند و علاوه بر پذیرفتن چندین هزار آواره سوری در مرزهای خود، به مخالفان دولت اجازه دادند چندین نشست در شهرهای آناتلیا و استانبول برگزار کنند. اردوغان در ۱۶ مرداد ۱۳۹۰ ضمن هشدار جدی به بشار اسد، متذکر شد که مسائل سوریه مربوط به سیاست خارجی یا همسایگی ما نیست؛ بلکه اهمیت آن در سطح داخلی ترکیه است. ترک‌ها در مورد سوریه جدی تر از هر کشور دیگری وارد عمل شدند و دولت سوریه را تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار دادند. (بیات، ۱۳۹۰: ۷۵)

ترکیه در چند سال اخیر با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به دنبال ایفای نقش مهم‌تری در مناسبات منطقه‌ای است سیاست خارجی این کشور از سیاستی غرب‌گرا و تک بعدی به سیاستی چند جانبه‌گرا و چند بعدی تبدیل شد بر پایه این مساله، ترکیه ضمن حفظ روابط خود با غرب، نگاهی ویژه به شرق داشت. سیاست ترکیه در قبال سوریه بخشی از سیاست کلی ترکیه است. اگر اهداف سیاست خارجی ترکیه مانند ورود به اتحادیه اروپا، کسب حمایت از بازیگری منطقه‌ای از طریق آمریکا را بررسی کنیم سیاست ترکیه در قبال سوریه بهتر درک می‌شود در واقع سیاست ترکیه در قبال سوریه یک چرخش جدی در سیاست خارجی ترکیه نیست و در ادامه سیاست‌های کلان این کشور است لذا ترکیه تلاش می‌کند به کشوری تعیین کننده در مسیر تحولات منطقه تبدیل شود. لذا رویکرد سیاسی - امنیتی خود را در قبال تحولات داخلی

سوریه را همسو با آمریکا و اروپا تنظیم کرده است. از طرفی در مورد مسائل منطقه، ترکیه تا جایی حضور دارد که غرب فضای آن را فراهم کند. مسلماً ترکیه در حوزه امنیتی خارج از ترتیبات امنیتی غرب بازی مستقلی را نمی‌تواند دنبال کند چون قادر به پرداخت هزینه آن نیست سوریه کشوری است که در جبهه مقاومت علیه صهیونیسم و استکبار قرار گرفته و با جمهوری اسلامی ایران هم ائتلاف راهبردی دارد و به همین دلیل ایران از سوریه حمایت می‌کند.

اوج گرفتن فعالیت‌های گروه‌های تندروی سلفی و نیز تشدید فجایع غیرانسانی آنها در سوریه و متعاقب آن، انتقادات داخلی و خارجی وارده بر ترکیه مبنی بر حمایت این کشور از گروه‌های تندرو موجب شده تا آنکارا خود را به منظور آنکه در مظان اتهام نباشد، تا حدی از بحران مزبور دور کند و به دنبال یافتن راه حل منطقه‌ای برای بحران سوریه باشد. در سطح داخلی و در دورن ترکیه، به عنوان نمونه، می‌توان به اعتراضات اهالی استان اسکندرون در ۱۱ فروردین ۱۳۹۳، که به دخالت‌های دولت ترکیه در امور داخلی سوریه، به ویژه حمایت این کشور از گروه‌های تندرو در حمله به مناطق ریف شمالی لاذقیه اشاره داشت. همچنین می‌توان به تظاهرات مردم ترکیه در انتقاد از حمایت ترکیه از گروه‌های تندرو و حمله ترکیه به خاک سوریه در شهرهای انتاکیه و سویدیه در فروردین ۱۳۹۳، اشاره کرد.

در این ارتباط، شماری از احزاب مخالف ترک مانند حزب جمهوری خواه خلق، حزب ملی-گرای ترکیه، حزب دموکراتیک خلق‌ها، و حزب کمونیست ترکیه و حزب اتحادیه جوانان ترکیه حمایت اردوغان از گروه‌های تندرو و حمله ترکیه به سوریه را محکوم کردند. همچنین، این کشور با انتقاد جهانی به دلیل حمایت از گروه‌های تندروی سوریه مواجه بوده است. به عنوان مثال، دیده‌بان حقوق بشر از ترکیه به دلیل حمایت از شورشیان سوری، به شدت انتقاد کرده است. به گفته این سازمان، شورشیان سلاح، پول و دیگر لوازم مورد نیاز را از ترکیه دریافت می‌کنند. این سازمان در گزارش خود، با استناد به اطلاعات به دست آمده از نیروهای امنیتی، روزنامه نگاران، دیپلمات‌های غربی و امدادگران نوشته است که بسیاری از شورشیان خارجی که در شمال سوریه مستقر هستند، ورود خود به خاک این کشور را از طریق ترکیه سازماندهی می‌کنند. بر این مبنای، ترکیه بیش از پیش ترغیب شده تا در همکاری‌های منطقه‌ای برای حل بحران سوریه شرکت کند.

عدم اجرای سیاست مداخله نظامی آمریکا در سوریه متعاقب همکاری ایران و روسیه در خلع تسلیحات شیمیایی سوریه نیز باید مد نظر قرار بگیرد. ترکیه بسیار امیدوار بود که از طریق

مداخله نظامی امریکا در سوریه، سقوط اسد به نفع ترکیه و با هزینه بسیار کمتر صورت گیرد. اما اکنون که این امر انجام نشده است، ترکیه قصد ندارد خود هزینه حمله نظامی را بپردازد و در نتیجه، این کشور از سیاست قبلی خود مبنی بر مداخله نظامی دست کشیده است.

در آغاز مداخله آنکارا در تحولات سوریه، ناسیونالیست‌ها و سکولارهای ترکیه بیش از دیگر احزاب و جریان‌های سیاسی در قبال مواضع مداخله جویانه دولت در تحولات سوریه موضع گرفتند. در این راستا، احزاب حرکت ملی و جمهوری خواه خلق و به ویژه کمال قلیچدار اوغلو، رهبر حزب جمهوری خواه خلق، سیاست‌های دولت را مورد انتقاد قرار داده اردوغان را مجری سیاست‌های امریکا قلمداد کردند که به منافع و امنیت ملی ترکیه توجهی ندارد. احزاب مزبور به دنبال مداخله اردوغان در سوریه، جامعه ترکیه را برای اعتراض علیه سیاست‌های سوری آنکارا را می‌توان عاملی دانست که طی ماه‌های اخیر بر تنش‌های سیاسی، قومی و مذهبی افزوده و در کنار دیگر متغیرها نقش مهمی در شکل‌گیری اعتراضات ۲۸ می پارک گزی داشته است. به همین دلیل، طی چند ماه اخیر، ترکیه تلاش کرده است تا سیاست خود را در قبال تحولات سوریه را با نگاهی به افکار عمومی و میزان مخالفت‌ها با راهبردهای خود دنبال کند، تا از شکل‌گیری موج اعتراضات دیگر جلوگیری نماید.

براساس چارچوب نظری تحقیق و نظریه پلورالیسم سیاسی می‌توان گفت که در کشور ترکیه نیز قدرت سیاسی با در نظر گرفتن ساختار سیاسی پلورالیستی، توزیع شده و غیر متمرکز است. از این رو، احزاب پارلمانی مخالف حزب حاکم در برخی موارد توانسته‌اند با تحریک اذهان عمومی ترکیه و دعوت از هواداران خود به تظاهرات اعتراضی از قدرت خود استفاده و دولت را به تغییر موضع و نوع دخالت در قبال بحران سوریه وادار کنند.

برای نمونه، از زمان آغاز بحران سوریه، اختلافات زیادی میان حزب عدالت و توسعه با سایر احزاب و گروه‌های سیاسی ترکیه - نظیر حزب جمهوری خواه خلق، حزب دمکراتیک خلق‌ها و حزب کمونیست - در خصوص نوع دخالت دولت این کشور شکل گرفت. همچنین، ناامنی و بی‌ثباتی‌هایی که پس از شروع بحران سوریه در ترکیه پیش آمد، اکثر مردم این کشور را در صف مخالفان سیاست‌های دولت در قبال سوریه قرار داد و این ناآرامی‌ها یکی از عوامل مهم در تغییر نگاه ترکیه به بحران سوریه بوده است. لذا، ساختار سیاسی پلورالیستی ترکیه موجب شده است تا جریان‌ها و تشکل‌های پر نفوذ مانند احزاب بتوانند روند پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی در ترکیه را تحت تاثیر قرار دهند.

منابع فارسی:

کتاب

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰)، *رویکرد ترکیه به تحولات جهان عرب و منافع منطقه‌ای ایران*، گزارش راهبردی تهیه شده در معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس
- امامی، محمد علی (۱۳۷۶)، *سیاست و حکومت در سوریه*، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- برزگر، کیهان (۱۳۹۲)، *تحولات عربی، ایران و خاورمیانه*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- بشیریه، حسن (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی
- نش، کیت (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر

مقالات

- ابومحمد عسگرخانی، عبدالسلام تقی (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، مقاله ۱
- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، *نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تاکید بر تحولات سوریه*، فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم
- چاسادوفسکی، مایکل (۱۳۹۱)، *حرکت در مسیر یک حمله نرم*، ماهنامه سیاسی، تحلیل بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۲
- حسین مسعودنیا، علی فروغی و م. چلمقانی (۱۳۹۱)، *ترکیه و بحران سوریه، از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره چهارم
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱)، *واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی با نیم‌نگاهی به تحولات اخیر در سوریه*، پانزده خرداد، شماره ۳۴
- ساجدی، امیر (۱۳۹۲)، *بحران سوریه و دخالت قدرتهای بیگانه*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲۴
- سید محمد طباطبائی، اکرم فضلی خانی (۱۳۹۳)، *سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، مقاله ۶، دوره ۷، شماره ۲۵

- سیده مطهره حسینی، طالب ابراهیمی و صفی‌الله شاه‌قلعه (۱۳۹۱)، عملکرد تأثیر تحولات سوریه بر الگوی خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۱

- سیدامیر نیاکوئی، حسین بهمنش (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴

- صولت، رضا (۱۳۹۱)، ساختار سیاسی ترکیه و روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱۸

- عالم، ریحانه (۱۳۹۱)، جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه (با تأکید بر نقش ترکیه در تحولات سوریه)، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال دهم، شماره ۱۱۰

- کیومرث یزدان پناه درو، محمدمهدی نامداری (۱۳۹۲)، بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره سوم

خبرگزاری

- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه، قابل دریافت در:

<http://www.basirt.ir>

- فناپی، داوود (۱۳۹۰)، چالش‌های سیاست خارجی ترکیه: دوری از مدار صفر، همشهری دیپلماتیک، شماره ۰۵، آبان

- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۰)، ترکیه و تحولات خاورمیانه، قابل دریافت در:

www.aftabnews.ir

منابع عربی:

کتب

- عبدالباری، عطوان (۲۰۱۲)، سوريا و فرص التدخل العسکری، القدس العربی

مقالات

- حسام، مطر (۲۰۱۳)، تركيا في الشرق الاوسط بين الطموح و قيود النفوذ، فصلیه شؤون الاوسط، بیروت، شتاء ۲۰۱۳، شماره ۱۴۴

پایان نامه

- کبیری، احمد. (۱۳۹۱). تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

منابع انگلیسی:

- Moshe, M. (1986), **the emergence of modern Syria**, insyriaundeassa, croom helm. beckenhem
- Pieter, Van Ostaeyen. (2014), dr. ayman al-zawahiri- testimonial to preserve the blood of muhajideen in as-sham, audio transcript